

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۲۸/۶۵۷۹۶ رده بندی کنفرانس: ج ۱۵/۴۰۲۲

بررسی نظام هندسی سوره غاشیه

عادل فاطمیان^۱

دانشجوی دکتری رشته قرآن و متون دانشگاه معارف قم

چکیده

هرسوره متشکل از تعدادی آیات است که جمله‌های این سوره را به هم مرتبط کرده است. در این آیات موضوعاتی مطرح شده که بین‌شان یک هماهنگی و وحدتی وجود دارد که حاکم بر نظم کلی سوره است. یکی از این سوره‌ها، سوره غاشیه است که ۲۶ آیه دارد و به معنای «پوشاندن» با توصیفی از بهشت و دوزخ، از احوال و عاقبت کار منکران و نیز از خشنودی، شادابی و رستگاری مؤمنان سخن می‌گوید و انسان‌ها را به تفکر در شگفتی‌های آفرینش فرا می‌خواند. این سوره با توصیفی از بهشت و نعمت‌های آن و دوزخ و عذاب‌های آن شروع شده، سپس درباره توحید و یگانگی خداوند سخن می‌گوید. بعد به شگفتی‌های آفرینش (خلقت شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین اسرار آن پرداخته) است. با توجه به محتوای آیات، داشتن چیدمان و سیر هدایتی که این سوره به آن اشاره دارد به عمده موضوعی که پرداخته «پاداش و عذاب حتمی بهشتیان و گنه‌کاران» است. این نوشته با روش توصیفی و تحلیلی محتوای سوره غاشیه را مورد بررسی قرار داده و با توجه به سیاق این سوره یک موضوع اصلی که آیات این سوره به آن توجه دارد را به دست آورده است که همان «فراگیر بودن عذاب و پاداش الهی» باشد.

واژگان کلیدی: بررسی، ساختار، نظام هندسی یک سوره، سوره غاشیه.

^۱ - (نویسنده مسئول)

بخش اول: بیان مساله

قرآن پژوهان و مفسران متأخر به این نکته پی برده‌اند که هر سوره دارای یک جامعیت واحد است که در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد. برخی از آنان از این حد جامع به عنوان «جان و روح سوره» یاد کرده‌اند و معتقدند هر سوره‌ای در قرآن کریم دارای جان و روحی است که در کالبد آیات آن سوره جریان دارد و این روح بر مبانی، احکام، توجیهات و اسلوب آن سوره سلطه و اشراف دارد. (مدنی، المجتمع الاسلامی کما تنظمه سورة النساء، ص ۵) منظور از «ساختار هندسی قرآن» شیوه تنظیم و نحوه چیدمان سور و آیات قرآن از نظر شکلی و موضوعی است. این بحث از گذشته با عنوان «علم المناسبت» مطرح بوده (ر.ک الاتقان سیوطی، ج ۳، ص ۳۱۷) که به تبیین ارتباط و مناسبت میان سوره‌ها و آیات قرآن می‌پرداخته و امروزه تحت عنوان نظام هندسی سوره‌های قرآن یا جدول سوره‌ها مطرح است. قرآن پژوهان و مفسران متأخر به این نکته پی برده‌اند که هر سوره دارای یک جامعیت واحد است که در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد. نظریه «ساختار هندسی قرآن» از مباحثی است که در سال‌های اخیر مورد توجه خاص قرآن پژوهان و علاقه‌مندان به معارف اسلامی قرار گرفته است. از متأخرین نیز علامه طباطبایی بر این نکته اصرار دارد که هر سوره صرفاً مجموعه‌ای از آیات پراکنده و بدون جامعیت واحدی نیست، بلکه یک وحدت فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴) اما از آنجا که حدود و ثغور آن به درستی تبیین نگشته، مخالفت‌های بسیاری را علیه خود برانگیخته است. از سوی دیگر موافقان و طرفداران ساختار هندسی سوره‌ها نیز هر یک، یکی از ابعاد تئوری را در نظر گرفته و به نفی و اثبات جوانب مختلف آن پرداخته‌اند؛ بنابراین تبیین معنای دقیق ساختار هندسی سوره‌ها به عنوان یکی از مقدمات تصویری علم باید مورد توجه و عنایت خاص قرار گیرد. از فعالیت‌های مهم در عرصه ساختار نظام هندسی قرآن پرداختن به «نظام هندسی یک سوره» است. این موضوع پیشینه‌ای طولانی در برخی از کتب تفسیر و علوم قرآنی مانند الاتقان سیوطی (م ۹۱۱) زرکشی (م ۱۳۹۲) آلوسی و ... داشته و قابل تأمل است مسئله نحوه ارتباط آیات یک سوره با یکدیگر (فهم در محور افقی و عمودی) یا ارتباط آیات مختلف از سوره‌های مختلف (فهم منظومه‌ای) است که تحت عنوان «علم المناسبه» بین سوره‌های متوالی قرآن مطرح بوده که امروزه با عنوان ساختار هندسی سوره‌ها از سوی برخی قرآن پژوهان (محمد خامه‌گر) و مفسران (علامه طباطبایی) مطرح می‌گردد. در این نوشتار علاوه بر ارائه تاریخچه مختصری از این بحث و پرداختن به برخی از آراء و دیدگاه‌های قائلین به این نظریه نسبت به ساخت قرآن کریم مطرح شده و در پایان به ارتباط و ساختار بین آیات سوره مبارکه غاشیه به عنوان یک نمونه قرآنی می‌پردازیم.

بخش دوم: دیدگاه کلی مفسران

در بررسی اولیه به دو دیدگاه مهم از نظرات مفسران و قرآن پژوهان در نحوه ارتباط بین سوره‌ها دست می‌یابیم که دارای اهمیت است. ۱- ارتباطی که ناظر به همه سوره‌های قرآن است. ۲- ارتباط ناظر به برخی از سوره‌های خاص قرآن (سور حوامیم).

۱- ارتباط ناظر به همه سوره‌های قرآن: بر اساس این نگرش هر سوره با سوره مجاور ارتباط دارد. که طبق این دیدگاه مهمترین ادله ارائه شده از سوی آنها می‌توان به توقیفی بودن چینش سوره‌ها و آیات در مصحف و ارتباط بین سوره‌ها بر مبنای ترتیب نزول اشاره کرد. از باب نمونه آقای جویباری قائل است سوره حدید تحقیقا بعد از سوره زلزال نازل شده زیرا به نوعی ارتباط محتوایی با یکدیگر در موضوع مباحث قیامت و انجام عمل صالح در دنیا دارند. (ر.ک: جویباری، تفسیر البصائر، ج ۴۴، ص ۷۳)

۲- ارتباط ناظر به مجموعه خاصی از سوره‌ها؛ که مراد از آن اعتقاد به نوعی تقسیم بندی بین سوره‌های قرآن است که بر اساس آن نه تنها میان سوره‌های مجاور یا کل قران نوعی پیوند وجود دارد بلکه میان دسته‌هایی از سوره‌های قرآن نوعی هماهنگی و همسویی وجود دارد. (ر.ک: محمد علی ایازی، چهره پیوسته قرآن، ص ۶۶). در اعتقاد به این گونه از تناسبات و دسته بندی سوره‌ها، دو اصل قابل دقت است: ۱. ظاهر جملات و خصوصیات محتوایی سوره‌ها به روش اجتهادی. ۲. دسته بندی بر اساس احادیث و روایات ماثور.

بر اساس دسته بندی و ارتباط یابی بین سوره‌های قرآن بر اساس اجتهادات شخصی می‌توان به آقای بازرگان اشاره کرد که قائل است سوره‌های قرآن را می‌توان فصول این کتاب دانست و چند سوره را مجلد جدا گانه‌ای از قرآن تلقی کرد مانند سور هفت گانه «حم» یا شش سوره آغازین با حروف مقطعه (الر) یا دوسوره بقره و آل عمران که در بحث تاریخ حضرت موسی و بنی اسرائیل را مطرح می‌کند. (بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، ج ۱، ص ۷)

اما ارتباط بین سوره‌ها بر اساس روایت ماثور: که بر اساس این دیدگاه با توجه به روایتی از حضرت پیامبر مبنی بر تقسیم کردن قرآن به چهار مجموعه ارائه داده‌اند: قال رسول الله (ص): أُعْطِيتُ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعَ الطُّوَالَ، وَمَكَانَ الزَّبُورِ الْمِثْنَيْنِ، وَمَكَانَ الْإِنْجِيلِ الثَّمَانِي، وَفُضِّلْتُ بِالْمُقَصَّلِ سَبْعَ وَسْتِينَ سُوْرَةً. (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵). طرفداران این نوع از ارتباط و تناسب معتقدند از آن جهت که پیامبر (ص) نوعی تقسیم بندی بین سوره‌ها بوجود آورده ناگزیر نوعی ارتباط و نظم خاص بین سور وجود دارد. از آن

جمله افراد علامه طباطبایی را می توان نام برد که با مبنای روایی قائل به وجود پیوستگی میان مجموعه ای از سور قرآنی است. از باب نمونه ایشان بین سوره هایی با حروف مقطعه یک نوع شباهت و اغراض نزدیک به هم دارند یک همبستگی در معنی قائل هست. (المیزان، ج ۱۸، ص ۹) یا اینکه ایشان برای دو سوره اعراف و صاد یک مضمون واحد قائل است. (فقیهی زاده، روابط برون سوره ای از منظر علامه طباطبایی، دو فصل نامه تفسیر و زبان قرآن، بهار ۹۲)

بخش سوم: تبار شناسی بحث

برای ارتباط گیری بهتر در نحوه ارتباط داشتن آیات یک سوره بهتر است تبار و پیشینه بحث بررسی شود تا به نمونه فعالیت های انجام شده درباره نظام هندسی و ارتباط بین سوره های قرآن کریم کمک کند در ذیل به برخی از فعالیتهای درونی و بیرونی اشاره می کنیم :

بنداول: فعالیت های درون کشور

۱- کتاب فهم زبان قرآن استاد حمید محمدی

یکی از کتبی که به انتشار نمودارهای نشان دهنده ی ساختار محتوایی سور در آن پرداخته شده است کتب فهم زبان قرآن است که در مجموعه ی زیر نظر استاد محمدی تولید شده است. در ادامه تصویر جلد یکی از این کتب و دو نمودار از نمودارهای این کتب تقدیم می گردد.

۲- کتاب درسنامه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم - سطح عالی - فهم زبان قرآن

۳- کتاب نظام هندسی سوره های قرآن آقای محمد خامه گر

این جریان نیز اقدام به انتشار کتبی با موضوع تفسیر ساختاری قرآن کریم نموده است که ساختارگرا ترین این کتب کتاب ساختار سوره های قرآن کریم است.

۴- موسسه تدبیر با مدیریت استاد صبحی؛

این مجموعه نیز در کتاب های تدبیر در قرآن خود به کشف ساختار محتوایی سوره های قرآن کریم پرداخته است شش جلد کتاب در این رابطه نوشته که به بررسی ارتباط بین آیات یک سوره پرداخته است.

۵- جریان تدبر در قرآن حوزه دانشجویی دانشگاه تهران (ثقلین)

بند دوم: فعالیت‌های خارج کشور

- آقای ابراهیم بن عبدالله الدرویش:

کتاب ایشان با عنوان «الخارطة الذهنية للقرآن الكريم» به جدول بندی سوره‌های قرآن و ترسیم نمودارهایی از نحوه ارتباط و چینش آیات یک سوره اقدام کرده است.

اما بهترین دلیل برای اثبات این نوع دیدگاه تمسک به مبانی تفسیری مفسران است تا از این طریق بتوان به ساختار منسجم و ارتباط بین آیات و سور قرآن کریم پی برد:

۱- قائل شدن به مبانی مهمی چون قدسی بودن آیات قرآن؛

۲- حکیمانه بودن نص در چینش آیات؛

۳- انسجام و پیوستگی بین آیات. (ر.ک: مبانی تفسیر، مودب، سید رضا، ص ۴۵) ایشان آیاتی هم که شاهد بر این مدعاست را ذکر کرده و ما به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱- قدسی بودن آیات: منظور از قدسی بودن این است که تمامی الفاظ از ناحیه خدای متعال است و هیچ چیز از آن کم یا زیاد نشده پس به طبع آن چینش و ارتباط بین آیات و سور نیز از سوی خدای متعال است لذا می‌توان بین آنها ارتباط خوب و قابل تاملی را پیدا کرد که در تفسیر راهگشای مفسران خواهد بود. خدای متعال در این باره چنین می‌فرماید: «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتُعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (قیامت، ۱۶- ۱۹) و نظیر این آیات که به قدسی و الهی بودن آن اشاره دارد. «و إِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء، ۱۹۲-۱۹۵) این آیات از سوی خدای متعال توسط جبرئیل بر قلب تو نازل شده و هیچ تغییری در وحی (چینش آیات) صورت نگرفته است پس در این صورت از چینش و استحکام قوی و متقنی برخوردارند همچنین آیه «و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (اسراء-۱۰۵)

۲- حکیمانه بودن قرآن؛ از دیگر مبانی مهم در تفسیر قرآن حکیمانه بودن محتوای آن و داشتن نظم در چینش آیات است و خود قرآن نیز به آن تصریح می‌کند: «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيم» (زمر-۱) که در اصطلاح مفسران به توقیفی بودن از آن یاد می‌کنند. منظور از حکمت « منع و بازداشتن به قصد اصلاح» (مفردات راغب، ذیل ماده حکم) آمده است. به لجام زدن اسب نیز حکمه می‌گویند زیرا بوسیله آن حیوان را از حرکتهای بی‌مورد و اضافی حفظ می‌کنند. «حَكَمْتُ الدَّابَّةَ- با لگام حیوان را باز داشتم و أَحْكَمْتُهَا- افسارش زدم» (همان) نیز از این نمونه است.

آقای جوادی درباره حکیم بودن قرآن چنین می‌نویسد: «منظور از حکیم بودن آن است که متزلزل و فرو ریختنی نیست و دارای اتقان و استحکام و غیر قابل زوال است». (قرآن در قرآن، ص ۲۹۹). همچنین آقای مکارم درباره حکیم بودن قرآن می‌نویسد: «به مقتضای حکیم بودنش آیات قرآن را محکم، و به مقتضای خبیر و آگاه بودنش آیات قرآن را در بخشهای گوناگون، طبق نیازهای انسان بیان داشته است، چرا که تا کسی از تمام جزئیات نیازهای روحی و جسمی انسان با خبر نباشد نمی‌تواند دستورات شایسته تکامل آفرینی صادر کند». (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۸۹)

از آنجا که حکیمانه بودن ابعاد مختلفی دارد و در برخی از آیات خدای متعال با صفت حکیم معرفی شده است در یک بعد از آن به چیش آیات یک سوره می‌توان اشاره کرد که چه بسا علم به حکمت چیش آنها در یک سوره یا چندین سوره (حوامیم، مسبحات، سور طوال و ...) می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات تفسیری و ارتباط بین آیات باشد لذاست که باید در این زمینه مقداری تأمل نمود تا شاید با دسترسی به هندسه چیش آیات یک سوره به برخی از معانی و برکات خاص آیات قرآن دست یافت. آنچه در این نوشتار به آن می‌پردازیم بررسی نحوه چیش آیات یک سوره از قرآن است تا به آن غرض واحد از یک سوره که مراد خدای متعال بوده است برسیم.

در ادامه ما به نحوه چیش و نظام هندسی سوره غاشیه می‌پردازیم تا ارتباط بین آیات را دربابیم. اما قبل از پرداختن به بحث به محورهای اشاره شده در این بخش را بررسی می‌کنیم. در ابتدا به شناختنامه ای از سوره می‌پردازیم و بعد از آن به چیدمان داخلی آیات یک سوره که شامل (۱- تعیین محورهای بحث، ۲- کشف رابطه درون محوری، ۳- کشف رابطه برون محوری) و در صورت امکان به فرا چیدمانی بودن آیات آن سوره می‌پردازیم.

بخش چهارم: شناخت نامه سوره غاشیه

سوره غاشیه سوره‌ای مکی است که ۲۶ آیه دارد و به معنای «پوشاندن» آمده که یکی از نام‌های قیامت است. این سوره با توصیفی از بهشت و دوزخ، از احوال و عاقبت کار منکران و نیز از خشنودی، شادابی و رستگاری مؤمنان سخن می‌گوید و انسان‌ها را به تفکر در شگفتی‌های آفرینش فرا می‌خواند. این سوره با توصیفی از بهشت و نعمت‌های آن و دوزخ و عذاب‌های آن شروع می‌شود. سپس درباره توحید و یگانگی خداوند سخن می‌گوید. خداوند در این آیات به انسان‌ها می‌گوید به شگفتی‌های آفرینش توجه کنند؛ مانند شگفتی آفرینش شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین. اسرار و شگفتی‌های این مخلوقات، انسان را به سوی آفریدگارشان راهنمایی می‌کند. سپس از نبوت پیامبر اسلام سخن می‌گوید و به گوشه‌ای از وظایف پیامبر(ص) اشاره می‌کند و در پایان نیز کافران را با عذاب‌های خداوند تهدید می‌کند. در این سوره همچنین از احوال و عاقبت کار منکران و نیز از خشنودی، شادابی و رستگاری مؤمنان سخن گفته شده است. در اینکه محور اصلی و موضوع خاصی که این سوره به آن پرداخته تا به غرض واحد برسد چیست، با توجه به محتوای آیات، عمده به پاداش و عذاب حتمی بهشتیان و گنه‌کاران اشاره دارد. هر چند در آیات و سیاقی که به کار رفته چندین دسته بندی بکار رفته است ولی آنچه از قول برخی از قرآن پژوهان و مفسرین برمی‌آید این است که موضوع اصلی این سوره با توجه به محتوای آیات «فراگیر بودن عذاب و پاداش الهی» است. (خامه‌گر، محمد، نظام هندسی سوره‌های قرآن، سوره غاشیه) اما برای روشن شدن مطلب نظر برخی از مفسران درباره موضوعات و محورها بحث شده در این سوره را ذکر می‌کنیم.

صاحب تفسیر نمونه در این باره چنین می‌نویسد: این سوره بر سه محور اساسی صحبت می‌کند:

- محور اول بحث «معاد» است، مخصوصاً کیفی‌های دردناک مجرمان و پادشاهای شوق‌انگیز مؤمنان.
- محور دوم بحث «توحید» است که با اشاره به آفرینش آسمان و خلقت جبال و زمین و توجه انسانها به این سه موضوع اسرار آمیز بیان شده.
- و محور سوم بحث از «نبوت» و گوشه‌ای از وظایف پیامبر اسلام ص است، و در مجموع اهداف سوره‌های مکی را که تقویت مبانی ایمان و اعتقاد است تعقیب می‌کند. (مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص)

مرحوم علامه طباطبایی در ابتدای این سوره چنین می‌فرماید: «سوره غاشیه سوره انذار و بشارت است و "غاشیه" همان روز قیامت است که بر مردم از هر سو احاطه پیدا می‌کند و در این سوره قیامت را با شرح حال مردم توصیف می‌کند از این جهت که به دو دسته تقسیم می‌شوند سعیدها و شقی‌ها و هر طائفه‌ای در جایی که برایشان آماده شده مستقر می‌گردند یکی در بهشت و دیگری در دوزخ و رشته کلام بدینجا کشیده می‌شود که رسول خدا (ص) را دستور می‌دهد که مردم را تذکر دهد به اینکه مقام ربوبی چه فنونی از تدبیر در این عالم بکار برده، فنونی که هر یک دلالت دارد بر ربوبیت او برای همه عالم و برای خصوص ایشان و اینکه بازگشتشان به سوی او و حسابرسی اعمالشان با او است، و این سوره به شهادت سیاقی که آیتش دارد در مکه نازل شده است». (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۴۵۶)

آقای خامه‌گر در تقسیم بندی موضوعات مطرح شده این گونه تقسیم کرده است:

ایشان ابتدا به غرض واحد و موضوع اصلی سوره که همان فراگیر بودن پاداش و عذاب الهی است اشاره می‌کند و با توجه به محتوای آیات و سیاق این سوره ۳ موضوع اصلی را در این سوره ذکر می‌کند.

الف-موضوع عذاب و پاداش فراگیر قیامت که در آیات (۱۶-۱) به آن اشاره شده و شامل عذاب فراگیر کافران از آیات (۷-۱) و پاداش گسترده مومنان (۱۶-۸) است.

ب-در دسته دیگر این آیات به نشانه های ربوبیت الهی اشاره دارد که از آیه ۱۷ تا ۲۰ به آن پرداخته شده است با ریز موضوعاتی چون: ۱- آفرینش شتر و برکات آن (۱۷) ۲- آفرینش آسمان در طبقات مختلف (۱۸) ۳- آفرینش کوه‌ها با خواص و ویژگی‌های آنها (۱۹) ۴- آفرینش زمین با امکانات گسترده در آیه (۲۰) این سوره.

ج-در بخش سوم نیز به حتمی بودن عذاب منکران ربوبیت خدا پرداخته شده که از آیه (۲۶-۲۱) این سوره به آن پرداخته است و شامل این موضوعات است: ۱- از آیه (۲۴-۲۱) به حتمی بودن عذاب کافرانی که به هشدارهای پیامبر (ص) توجهی نکردند. ۲- حتمی بودن بازگشت انسان‌ها به سوی خدا که در آیات (۲۶ و ۲۵) به آن پرداخته شده است.

لازم به ذکر است این نوع تقسیم بندی‌ها که در یک سوره انجام می‌شود با توجه به این مطلب که برخی از مفسران قائلند که هر سوره به یک موضوع واحد اشاره دارد تنظیم شده که باید از سیاق آیات بدست آورد. به نظر می‌رسد تقسیم بندی هر سه بزرگوار با توجه به محتوای خود آیات ذکر شده در سوره به

صواب بوده و مشکل خاصی دیده نمی شود زیرا با توجه به سیاق آیات می توان به این تقسیم بندی رسید ولی تقسیم بندی عبارات و موضوعات از نگاه آقای خامه گر دقیق تر و به محتوای آیات نزدیک تر است.

اما گروه موسسه تدبر در کلام وحی و عترت در یک تقسیم بندی دیگر به این نکته اشاره دارند که این سوره دارای ۲ سیاق است. سیاق اول از آیه (۱۶-۱) مشتمل بر اقسام چهره ها و عواقب آنها در قیامت و سیاق دوم از آیه (۲۶-۲۱) مبتنی بر چند پرسش از پیامبر (ص) که ایشان را به تذکر فرمان داده است. ایشان قائلند سولاتی که از پیامبر در این بخش پرسیده شده در آیه ۲۰ تمام می شود ولی به دو دلیل پایان سیاق نیست؛

۱- بدون توجه به آیه ۲۱ به بعد جهت سولات چهارگانه در آیات پیشین مشخص نمی شود بنابراین آیات ۱۷ تا ۲۰ سیاق و انسجام مستقلی محسوب نمی شود.

۲- «فاء» در آیه ۲۱ (فذكر)، این آیه و آیات پس از آن را به آیه ۱۷ تا ۲۰ عطف تفریع کرده و نشان می دهد محتوای تذکر مورد نظر در آیه ۲۱ همان مفهوم و مقصود آیه ۱۷ تا ۲۰ است.

بخش پنجم: نظام هندسی سوره

ارتباط میان آیات یک سوره را میتوان از دو نگاه بررسی کرد: ۱) داری چیدمان ۲) فرا چیدمان

بند اول: دارای چیدمان

اینکه آیا آیات یک سوره دارای چینش و چیدمان خاصی هستند یا نه باید از برخی آیات و روایات کمک گرفت. ظاهر برخی از آیات و روایات شاهد آن است که جمع بین آیات در یک سوره و نظم خاص میان آنان محصول اراده الهی است و پیامبر(ص) نقشی جز تبلیغ آیات نداشته است مانند این آیات که چنین می فرمایند: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)» (قیامت، ۱۷-۱۹) لذا خدای متعال با توجه به حکمت خود نظم خاصی در چیدمان آیات رعایت کرده و از آنجا که آیه به جمع القرآن اشاره دارد و جمع کردن دارای مراتبی است (جمع حروف در کلمات و جمع کلمات در آیات و جمع آیات در سور و جمع سوره ها در کتابت و تدوین با توجه به سیاق آیه که به جمع قبل از قرائت اشاره دارد) مراد آیه باید تمام مراتب جمع قبل از قرائت باشد و تنها جمع سوره ها در مقام تدوین و تالیف کتاب از این عموم استثناء شود مگر ادعا شود که تدوین قرآن نیز باید به همان سبک و جمع قبل

از قرائت باشد که با ترتیب نزول طبیعی آیات و سوره‌ها هماهنگ است. (ر.ک تفسیر تنزیلی، ص ۱۹۸). یا آیه ۳۲ فرقان که به نظم خاص چینش آیات قرآن هنگام نزول اشاره دارد: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» علامه طباطبایی در ذیل این آیه چنین می‌نویسد که «ما این تعلیمات را در عین حال که قسمت قسمت نازل کردیم در عین حال بین دو قسمت آن فاصله نگذاشتیم بلکه قسمت‌های گوناگون آن را پشت سر هم آوردیم تا رابطه بین آنها از هم گسیخته نشوند و آثار ابعاض آن از باطل نشوند و در نتیجه غرض از تعلیم آن تباه نگردد». (المیزان، ج ۱۵، ص ۲۳۰)

پس می‌توان مدعی شد که اصل اولیه در ترتیب آیات و سور قرآن کریم این است که دارای یک نوع نظم و هماهنگی در چیدمان و چینش آیات و سور هستند که در موارد فراوانی سوره‌ها بطور کامل و یک جا نازل شده اند و یک سوره طولانی مانند انعام با ۱۶۵ آیه یکباره نازل شده است. (ر.ک: تفسیر تنزیلی، ص ۲۰۱) البته برخی قائلند از آنجا که هر سوره به منزله یک سخنرانی یا مقاله است باید ارتباط و چینش بین کلمات آن کاملاً حفظ شود تا اینکه یک وحدت سیاق داشته باشند و بخش‌های آن از پیوند مستحکمی برخوردار باشند تا مفسر بتواند از ترتیب و چینش آیات به اراده پروردگار و مراد اصلی آیات برسد. (همان)

بند دوم: فراچیدمان

همان ارتباط بین سوره‌ها یا آیات مختلف از سوره‌های مختلف را شامل می‌شود که برای تبیین بیشتر موضوع نیاز به مراجعه به تفاسیر با گرایش قرآن به قرآن دارد.

در این بخش به دسته بندی آیات سوره غاشیه می‌پردازیم:

طبق آنچه در ابتدای این نوشتار به آن اشاره کردیم این سوره دارای سه دسته بندی در آیات خود است که بدین صورت آن را تقدیم می‌کنیم:

دسته اول: آیات ۱-۱۶ این سوره را شامل می‌شود: که دارای ۲ گفتار است: (۱- عذاب فراگیر مشرکان در دوزخ (آیات ۷-۱) . ۲- پاداش فراگیر و جامع بهشتیان در بهشت (آیات ۸-۱۶)

دسته دوم: نشانه‌های ربوبیت الهی در آیات (۱۷-۲۰) که هر آیه به یک موضوع اشاره دارد و به شگفتی و گستره خاص مخلوقات الهی اشاره دارد. (خلقت شتر، آسمان، کوه و زمین.)

دسته سوم: حتمی بودن عذاب منکران ربوبیت الهی اشاره دارد که در آیات (۲۱-۲۶) به آن پرداخته است. شامل ۲ گفتار است (۱- حتمی بودن عذاب منکران ربوبیت الهی (۲۱-۲۴) ۲- حتمی بودن بازگشت انسان به سوی خدا (۲۵-۲۶))

دسته اول :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَشِعَةٌ (۲) عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (۳) تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً (۴) تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ عَائِيَةٍ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶) لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ.

بنام خداوند بخشنده مهربان . آیا داستان " غاشیه " (روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می پوشاند) به تو رسیده است؟! چهره هایی در آن روز خاشع و ذلت بار است. آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند (و نتیجه ای عااندشان نشده). و در آتش سوزان وارد می گردند. از چشمه ای فوق العاده داغ به آنها می نوشاندند. طعامی جز از ضریع (خار خشک تلخ و بد بو) ندارند. غذایی که نه آنها را فربه می کند و نه گرسنگی را فرو می نشاند!

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (۸) لِّسَعِيهَا رَاضِيَةٌ (۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰) لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعِيَةٍ (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳) وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴) وَ نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵) وَ زُرَّابِي مَبْتُوثَةٌ (۱۶) چهره هایی در آن روز شاداب و با طراوتند، (۸) و از سعی و تلاش خود خشنودند، (۹) در بهشتی عالی جای دارند، (۱۰) که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده ای نمی شنوند! (۱۱) در آن چشمه ای جاری است، (۱۲) در آن تختهای زیبای بلندی است، (۱۳) و قدحهایی (که در کنار این چشمه) نهاده، (۱۴) و بالشها و پشتهای صف داده شده، (۱۵) و فرشهای فاخر گسترده! (۱۶)

بخش ششم: فضای سخن

این دسته از آیات بیان حال دو دسته از افرادی را ذکر می کند که دسته اول در دنیا اعمالی را انجام داده اند ولی در آخرت از این اعمال رنجور و خسته اند و دسته دیگر از نتیجه اعمال خود راضی و خشنود هستند که عاقبت متفاوتی نبرای آنان رقم خورده است. سوره در مسیر هدایتی خد برای مخاطب ایجاد سوال می کند تا از این طریق ذهن مخاطب رار درگیر حادته ای فراگیر کند. (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ) هرچند مخاطب این سخن نبی اکرم است ولی از جهت تاثیر گذاری بر تمامی انسان های غافل و بی توجه نسبت به اعمالشان آن را مطرح می کند و بلافاصله بعد از آن، وقتی آیات به فراگیر بودن این واقعه اشاره می کنند و مخاطب به فراگیری بودن این واقعه آگاهی یافت به تبیین و توضیح چهره ها در آن روز و در

آن حادثه می‌پردازد که؛ براستی جریان غاشیه چیست؟ حال انسان‌ها در این رویداد بزرگ چگونه خواهد بود؟ آیا همگان یکسان خواهند بود یا اینکه حالشان متفاوت خواهد بود؟ و

بخش هفتم: سیر هدایتی سوره

این سوره با یک سوال شروع می‌شود و از واقعه‌ای فراگیر سخن می‌گوید و در دومرحله این واقعه را شرح می‌دهد (آیات ۲ تا ۷) و دیگری (آیات ۸ تا ۱۶). دأب قرآن کریم در بیان برخی از گروه‌ها و احوالات مقدم ذکر کردن جنبه‌های مثبت بر منفی است ولی در این تفصیل چهره‌های خار و زبون را که به خاطر اعمال بدشان جهنمی شدند را مقدم ذکر کرده بر بهشتیان مقدم کرده است شاید به دلیل این باشد که نحوه چینش این آیات نشان می‌دهد جنبه هشدار سیاق بر تبشیری آن غلبه دارد و تاثیر هدایتی توصیف روز سخت قیامت بر روی کسانی که با غفلت از روز غاشیه همچنان اعمال بیهوده انجام می‌دهند شاید تلنگری برای بیدار شدن آنان باشد طبق فرموده علامه طباطبایی هر چند این نوع سوال جدی و واقعی نیست اما به نوعی برای مهم جلوه دادن مطلب برای مخاطب [و تاثیر بیشتر بر روی مخاطبیان] اینگونه سخن را آغاز کرده است. (ر.ک: المیزان ج ۲۰، ذیل سوره غاشیه).

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآلِئِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰) آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! (۱۷) و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟! (۱۸) و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده؟! (۱۹) و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! (۲۰)

بخش هشتم: فضای سخن در این سیاق؛ دعوت به نظر در مظاهر تدبیر الهی

در این سیاق خدای متعال به کسانی که از ربوبیت حق تعالی غافل بودند و به نشانه‌های ربوبی او توجهی نمی‌کردند تذکراتی را می‌دهد که از این طریق کمی بخودشان بیابند و از حالت غفلت به در آیند. لذا در آیات ۱۷ تا ۲۰ به برخی از مصادیق توحید ربوبی با لحن تند و توبیخ آمیز اشاره می‌فرماید تا توجه آنها را جلب کند لذا می‌فرماید؛ «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآلِئِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰) راز تکرار «کیف» در این ۴ آیه شاید توجه دادن به کیفیت پدیده‌ها و زمینه سازی برای باورمندی به ربوبیت الهی در تدبیر عالم است تا از آنها را از آن فضای غفلت زدگی که در آیات دسته اول ذکر شد و با ذکر اوصاف کافران به آن پرداخت خارج شوند.»

• سیر هدایتی

علامه در ارتباط بین این دسته از آیات چنین می نویسد: «بعد از آنکه اوصاف غاشیه و حال دو طایفه مؤمن و کافر را بیان نمود، دنبالش اشاره‌ای اجمالی کرد به تدبیر ربوبی که به خوبی دلالت بر ربوبیت خدای تعالی می کند، ربوبیتی که مقتضی وجوب عبادت است، و لازمه آن هم رسیدن به حساب اعمال و جزا دادن به مؤمن و کافر است، مؤمن را در برابر ایمانش، و کافر را در برابر کفرش، و ظرفی که این حساب و جزا در آن واقع می شود همان روز غاشیه است. در این آیات منکرین ربوبیت خدای تعالی را نخست دعوت می کند به اینکه در کیفیت خلقت شتر، آسمان، کوه و زمین نظر و دقت کنند. اول مثال به شتر می زند که برای آن مردم در آن عصر شناخته شده ملموس بوده که چگونه خلق شده، و خدای تعالی آن را چگونه از زمینی مرده و فاقد حیات و بی شعور به این صورت عجیب در آورده، صورتی که نه تنها خودش عجیب است، بلکه اعضا و قوا و افعالش نیز عجیب است، و این هیکل درشت را مسخر انسانها کرده، (یک کودک از انسانها افسارش را می کشد، و به هر جا بخواهد می برد)، و انسانها از سواری و بارکشی و گوشت و شیر و پوست و کرکش و حتی از بول و پشکیش استفاده می کنند، آیا هیچ انسان عاقلی به خود اجازه می دهد که احتمال معقول بدهد که شتر و این فوایدش به خودی خود پدید آمده باشد، و در خلقت او برای انسان هیچ غرضی در کار نبوده، و انسان هیچ مسئولیتی در برابر آن و سایر نعمتها ندارد؟

همچنین در خلقت آسمان و کوه و زمین «وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» و چرا به آسمان نمی نگرند که چگونه افراشته شده، و به قندیل های پر نور چون خورشید و ماه و ستارگان درخشنده آراسته گشته و یا کوه ها که مانند میخ زمین را حفظ و نگه داشته اند و زمین که چگونه گسترده شده، به طوری که شایسته سکنی برای بشر گشته و نقل و انتقال در آن آسان و انواع تصرفات صناعی که انسانها دارند

پس تدابیر کلی همایش بدون هیچ شکی مستند به خدای تعالی است، بنا بر این، او رب آسمان و زمین و موجودات بین آنها است، در نتیجه رب عالم انسانی هم او است که بر انسانها واجب است ربوبیتش را گردن نهند، و یگانه در ربوبیتش بدانند و تنها او را بپرستند، و چگونه واجب نباشد با اینکه در پیش رویشان عالم آخرت و غاشیه را دارند که به حسابشان رسیدگی شده، جزای نیک و بدشان را می بینند. (ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، صص ۲۷۴-۲۷۵)

اینک یک سوال در اینجا مطرح می شود که چرا در این آیات توبیخ بر عدم توجه به کیفیت آن مطرح است نه اصل آن؟

در جواب چنین می توان گفت که : همان آفریدگاری که شتر یا کوه یا زمین را به این شکل آفریده است او همان تدبیر کننده امور رب است و اصلاً کیفیت و چگونگی خلقت شتر یا کوه یا آسمان از اصل آفرینش آنها جدا نیست و همان کسی که شتر را آفریده همان کس نیز این ویژگی ها را در وجود او قرار داد. لذا اصل آفرینش از کیفیت آفرینش جدا نیست به همین دلیل خلقت از تدبیر جدا نیست و قطعاً آفریننده عالم مدبر عالم نیز هست.

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱) لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲) إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ (۲۳) فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴) إِنَّا إِلَيْنَا يَأْتِيهِمْ (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶).

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده ای! (۲۱) تو سلطه گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی، (۲۲) مگر کسی که پشت کند و کافر شود، (۲۳) که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می کند! (۲۴) به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، (۲۵) و مسلماً حسابشان (نیز) با ماست! (۲۶)

بعد از این چند سوال که نشان از تدبیر امرعالم از سوی خالق مقتدر عالم است آیات بعد با «فاء» به ما قبل تفریع شده و به پیامبر دستور تذکر صادر می کند که ای پیامبر تو به آنان تذکر بده که کیفیت آفرینش چگونه است و تدبیر ربوبی پروردگار را فریاد بزن زیرا وقتی آنها بفهمند که ندبیر امر مخلوقات بدست خدای متعال است لاجرم کیفیت برنامه زندگی و چارچوب عقیده و عمل نیز باید از او گرفته شود تو فقط با وجود اصرار و لجلجت ایشان، فقط آنان را به این حقیقت تذکر بده که امید این است با این تذکر تو دعوت را اجابت کنند و با طیب خاطر و بدون اکراه و اجبار ایمان آورند و تو هیچ سلطه و غلبه ای بر آنان نسبت به ایمان آوردن آنان نداری فقط به عنوان یک تذکر دهنده آنان را آگاه کن و تذکر بده و قرار نیست که تا جایی پیش بروی که همگان به اجبار تو ربوبیت را بپذیرند. (ر.ک: تدبر در قرآن کریم، ج ۶، گروه تدبر در کلام وحی، ج ۶، صص ۱۰۵ و ۱۰۶)

علامه در این آیه «فاء» را تفریع گرفته و می گوید: «فاء» در " فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ" این جمله را تفریع بر مطالب گذشته و نتیجه گیری از آن می کند، و معنایش این است که وقتی معلوم شد خدای سبحان رب ایشان است و رب دیگری سوای او ندارند، و نیز معلوم شد که در پیش رو یوم الحساب و یوم الجزاء را دارند که در آن روز مؤمن و کافرشان جزا داده می شوند، پس تو ای پیامبر ایشان را به این حقایق تذکر بده که " إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ"، وظیفه تو- که پیامبر خدایی- تنها همین تذکر دادن است، تا آنها از غفلت در

اعمالشان که موجب جهنمی شدنشان گردیده به خود آیند و بیدار شوند. و تلاش زیاد تو برای هدایت آنها فایده ای برایشان ندارد زیرا تو سلطه و غلبه ای بر آنان نداری؛ «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» بلکه فقط یک گوینده و انذار دهنده و مبلغ هستی. (ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۷۵)

اما آیا نبود تسلطو اجبار به این معناست که قبول یا رد تذکر نزد خدای متعال یکسان است؟ و اختیار مردم در برابر آن آن به معنای یکسان بودن عاقبت پذیرندگان و منکران است؟ «إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ* فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (غاشیه، ۲۳-۲۴)

پشت کردن به چه چیز و کفر به چه چیز؟ آیات قبل به به توجهی کافران در برابر نشانه‌های ربوبی پروردگار در چگونگی آفرینش شتر و کوه و ... توبیخ کرد و بعد از آن پیامبر را به تذکر فرمان داد تا همگان را به ربوبیت الهی تذکر دهد بنابر این تولى و کفر در این آیات پشت کردن به اصل تذکر ایشان و کفر به اصل محتوای آن یعنی ربوبیت است. پس هرکس به تذکر پیامبر و محتوای آن که ربوبیت الهی است پشت کند خدای متعال او را با بزرگترین عذاب الهی عذاب می‌کند.

توضیحی راجع به استثناء «إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ» از «فَذَكَّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»

در اینکه این استثناء به کجا برمی‌گردد چند تفسیر وجود دارد :

۱- آقای مکارم در این قسمت چند نظریه را مطرح می‌کند که بدین شرح است:

نخست اینکه باید گفت استثناء از مفعول جمله «فَذَكَّرْ» است، یعنی لزومی ندارد افراد معاندی را که از حق روی گردانند و اندر زناپذیرند تذکر دهی، و در حقیقت شبیه چیزی است که در آیه ۸۳ سوره زخرف آمده است: فَذَرْنَهُمْ يَخُوضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ؛ "آنها را به حال خود واگذار تا در باطل خود غوطه‌ور باشند و بازی کنند، تا روزی را که وعده داده شده ملاقات نمایند!

دوم اینکه استثناء از جمله محذوفی باشد که در معنی چنین است: "تذکر ده که تذکر برای همه نافع است، مگر آنها که با حق دشمنی دارند" شبیه چیزی که در آیه ۹ سوره اعلی آمده: فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ (بنا بر اینکه آیه معنی شرطی داشته باشد).

سوم اینکه استثناء از ضمیر "عليهم" در آیه قبل است، یعنی ای پیامبر: تو سلطه‌ای بر آنها نداری مگر کسانی که رویگردان شوند، و از در لجاج و عناد در آیند که موظفی با آنها به مقابله برخیزی.

اینها همه در صورتی است که استثناء به اصطلاح "متصل" باشد، ولی این احتمال نیز وجود دارد که استثنای "منقطع" باشد که تقریباً مفهوم "بلکه" دارد، و معنی جمله چنین می‌شود، «بلکه کسانی که رویگردان شوند و کافر گردند خداوند بر آنها مسلط است، یا خداوند آنها را به عذاب اکبر مجازات می‌کند». (نمونه ج ۲۶، ص ۴۳۵)

۲- علامه در این رابطه می‌نویسد: «إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ» این جمله استثنایی است از مفعول جمله "فذكر" که در کلام نیامده بود، و تقدیر کلام چنین است: «فذكر الناس انما انت مذكر و لست عليهم بمصيطر الا من تولى منهم عن التذكرة و كفر» - مردم را تذکر بده که وظیفه تو تنها تذکر دادن است، تو دست زور به ایشان نداری مگر افرادی از ایشان که از تذکر و پندگیری روی گردانند و کفر می‌ورزند"، چون تذکر دادن آن جناب به افراد آن چنانی لغو و بی فایده است و معلوم است که تولى و اعراض و کفر، همواره بعد از تذکر رخ می‌دهند، پس آنچه با این استثناء نفی شد تذکر مکرر است، گویا فرموده: تو به ایشان تذکر بده و تذکر خود را پی بگیر و آن را قطع مکن، مگر از کسی که یک بار و دو بار تذکرش دادی و او روی گردانید و کفر ورزید که در این صورت دیگر لازم نیست به تذکر خود ادامه دهی، بلکه باید از او اعراض کنی، تا خدای تعالی به عذاب بزرگتر معذیش سازد.

۳- اما برخی قائلند این «الا» برای استدراک است و الا برای استثناء از جمله ما قبل نیامده است زیرا آیه در مقام این نیست که بگوید همه را تذکر بده مگر کسانی که پشت کنند و کفر بورزند چرا که کافران نیز باید مورد تذکر قرار بگیرند و تا تذکری نباشد کفر و تولى معنی ندارد و همچنین تذکر بعد از کفر و تولى برای اتمام حجت لازم است و سیره پیامبر (ص) نیز خود موید این مطلب است که ایشان تا سر حد جان به تبلیغ و تذکر می‌پرداختند لذا میتوان این برداشت را داشت که این الا برای استدراک است یعنی جبران یک مطلبی که ممکن است فوت شود و برداشت کامل از آن نباشد لذا می‌فرماید: «همگان را تذکر بده چون شان تو تنها تذکر دادن است هرچند تو برآنان مسلط نیستی که آنان را وادار به قبول تذکر کنی. جز اینکه هرکس از تذکرت روی گردان شود و کفر ورزد پس خدا او را عذاب می‌کند». (صباحی، تدبر در قرآن، ج ۶ ص ۱۰۶-۱۰۷).

ولی با توجه به سیاق آیه می‌توان چنین برداشت کرد که چون این تولى و کفر مربوط به کسانی است که به اصل ربوبیت پشت کرده و از آن اعراض می‌کنند پس این استثناء مربوط به تذکر همگانی نیست بلکه یک بخش خاصی را شامل می‌شود که از آن استثناء کرده است.

در پایان ذکر دو آیه « إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ » پشتمانه سرانجامی را بیان می‌کند که در آیه «فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» ذکر شده است زیرا بازگشت و حساب آنها تنها و تنها به سوی من خداست لذا ر کس از تذکر پیامبر که قصد هدایت و تربیت مردم به سوی حق تعالی را دارد سرپیچی کند مرتکب معصیت شده و عذاب اکبری که به آنها وعده داده شده بر آنها محقق می‌کنیم .

نتیجه گیری:

با دقت نظر در محتوایی آیات یک سوره می‌توان دید که این آیات از یک سیر هدایتی و به هم پیوستگی دقیق و منظمی برخوردارند که محتوای قبل و بعد را به هم مرتبط کرده و به موضوع واحد اشاره دارد. از دقت در این آیات و نظم بین جملات به غرض واحدی از این به هم پیوستگی می‌رسیم که موضوعات متنوع و مختلف یک سوره را به هم مرتبط گردانده است و یک غرض هدایتی دارد. این مهم توسط ارتباطی که بین آیات آن سوره وجود دارد تحصیل می‌شود.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم؛

۱. ایازی، محمد علی، **چهره پیوسته قرآن**، نشر هستی نما، تهران ۱۳۸۰.
۲. بهجت پور، عبدالکریم، **تفسیر تنزیلی**، نشر موسسه التمهید، قم ۱۳۹۶.
۳. جلال الدین، سیوطی، **الاتقان فی تفسیر القرآن**، چاپ بیروت، ۱۴۳۸.
۴. جوادى آملی، عبدالله، **قرآن در قرآن**، انتشارات موسسه اسراء، قم، ۱۳۸۷.
۵. خامه گر، محمد، **نظام هندسی سوره های قرآن**، نشر دفتر فرهنگ و هنر، تهران ۱۳۸۵.
۶. راغب اصفهانی، **مفردات الالفاظ القرآن الکریم**، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۶.
۷. رستگار جویباری، یعسوب الدین، **تفسیر البصائر**، مطبعه الاسلامیه، قم، بی تا.
۸. صیوحی، علی، **تدبر در قرآن کریم**، نشر موسسه تدبر، قم، ۱۳۹۶.
۹. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۲.
۱۰. عبدالعلی بازرگان، **نظم قرآن**، انتشارات قلم، ۱۳۷۴.
۱۱. العیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، بیروت، نشر الاعلامی، نشر بیروت، ۱۹۹۱.
۱۲. فقیهی زاده، عبدالهادی، **مقاله روابط برون سوره ای از منظر علامه طباطبایی**، نشریه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳۹۲.
۱۳. مدنی، محمد، **المجتمع الاسلامی کما تنظمه سوره النساء**، بیروت، ۱۴۱۴.
۱۴. مکارم شیرازی، مسعود، **تفسیر نمونه**، انتشارات مدرسه امیر المومنین (ع)، قم، ۱۳۸۷.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

دانشگاه فرهنگیان
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

مصدور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(با مهر بر جسته و هوادار نام مخصوص)

پنجمین همایش علمی - پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۲۶ - ۰۲۱۶۹۶۷۴۸۶۲۵
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information
Database
  DRJI
Directory of Research
Journals
Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science